

زمان پیشنهادی: ۱۰ دقیقه

## درس‌های ۲ و ۸ زبان فارسی ۲

۱- در متن زیر چند فعل مرکب به کار رفته است؟

«در مقابل داستان کوتاه، داستان بلند یا رمان قرار دارد. در واقع داستان بلند، پیوندی است میان داستان کوتاه و رمان که در آن ویژگی‌های داستان کوتاه با خصلت‌های رمان درمی‌آمیزد. در داستان بلند نویسنده می‌کوشد تا از امکانات رمان در زمینه‌ی گسترش شخصیت‌ها و درون‌مایه‌ی داستان خود بهره بگیرد.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲- فعل کدام گزینه مرکب است؟

- (۱) گویی در میان این کاروان کوچک و کاروانیان بزرگ، بذر محبت پاشیده بودند.  
 (۲) بدون ذره‌ای اظهار عجز و خستگی راه خود را ادامه می‌دادند.  
 (۳) صدایی گرم و جان‌بخش از میان خیمه‌ای بیرون می‌خزید.  
 (۴) تلاوت قرآن به همه کس و همه چیز عظمت می‌بخشید.

۳- در چند مورد، فعل‌های پیش‌وندی زیر با فعل ساده‌ی خود تفاوت معنایی دارند؟

در آمدن، فراگرفتن، برخاستن، واداشتن، بازگشتن، برافراشتن، برشمردن، درگذشتن، برآمدن

(۱) هشت (۲) هفت (۳) شش (۴) پنج

۴- در عبارت زیر کدام یک از زمان‌های فعل دیده نمی‌شود؟

«همه‌ی اهل شیراز می‌دانستند که داش آکل و کاکا رستم سایه‌ی یکدیگر را با تیر می‌زنند. یک روز داش آکل روی سکوی قهوه‌خانه نشسته بود، همان‌جا که پاتوق قدیمی‌اش بود ...»

(۱) ماضی مستمر (۲) ماضی ساده (۳) مضارع اخباری (۴) ماضی استمراری

۵- در عبارت «داشت می‌رفت که زیر لب زمزمه‌ای کرد. آهسته پرسیدم: چه می‌گویی؟ به سردی پاسخ داد: هیچ.»

کدام یک از زمان‌های فعل دیده نمی‌شود؟

(۱) ماضی ساده (۲) مضارع اخباری (۳) ماضی مستمر (۴) مضارع التزامی

۶- در عبارت زیر، کاربرد فعل در کدام یک از زمان‌ها دیده نمی‌شود؟

«در روزگار گذشته، شعر عاشقانه با موسیقی و آواز همراه بوده است. باربُ و نکیسا از خُنیان‌گران دوره‌ی ساسانی بودند. خنیانگر، شاعری بود که اشعار خود را با صدایی خوش همراه با موسیقی می‌خواند.»

(۱) ماضی بعید (۲) ماضی ساده (۳) ماضی نقلی (۴) ماضی استمراری

۷- افزوده شدن تکواژ «ان» به کدام یک از فعل‌های زیر، گذر فعل را تغییر نمی‌دهد؟

(۱) کشیدن (۲) چکیدن (۳) گریستن (۴) گرفتن

۸- گذرا شدن کدام یک از فعل‌های زیر خلاف قاعده‌ی همیشگی است؟

(۱) گسستن (۲) نشستن (۳) رستن (۴) رُستن

۹- در کدام گزینه صامت میانجی دیده نمی‌شود؟

- (۱) گوینده (۲) روینده (۳) گریان (۴) نمایان

۱۰- کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) نظریه‌ی حرکت جوهری از صدرالمؤمنین است.  
 (۲) شعله‌های نبوغ تألیف لولول تامس است.  
 (۳) کتب رجال از منابع مهم زندگی‌نامه‌نویسی است.  
 (۴) زندگی‌نامه از جمله نوشته‌های تحلیلی است.

پاسخ کلیدی

- |       |       |        |       |
|-------|-------|--------|-------|
| ۱ (۴) | ۳ (۳) | ۲ (۲)  | ۱ (۱) |
| ۲ (۸) | ۱ (۷) | ۱ (۶)  | ۴ (۵) |
|       |       | ۴ (۱۰) | ۳ (۹) |

## پاسخ‌نامه‌ی تشریحی - تحلیلی

### ۱- گزینه‌ی ۱

فعل جمله‌ی اول: قرارداد (نمی‌توان «قرار» را گسترش داد) ← فعل مرکب  
فعل جمله‌ی دوم: است ← فعل ساده؛ فعل جمله‌ی سوم: درمی‌آمیزد ← فعل پیش‌وندی؛ فعل جمله‌ی چهارم: می‌کوشد ← فعل ساده

در جمله‌ی پنجم: بهره بگیرد ← بهره‌ای / بهره‌ها / بهره‌ی مختصری / بهره‌ی بسیاری / و ... بگیرد ← «بهره» گسترش پیدا می‌کند ← «بهره بگیرد» فعل مرکب نیست، بلکه «بگیرد» فعل ساده و «بهره» مفعول جمله است.

### ۲- گزینه‌ی ۲

همیشه به مصدر فعل توجه کنید. «پاشیده‌بودند» از مصدر پاشیدن است و مطمئناً پاشیدن فعلی ساده است. «بودند» فعل کمکی ماضی بعید است و اثری بر ساختمان فعل ندارد؛ اما «ادامه دادن» فعلی مرکب است.

### ۳- گزینه‌ی ۳

«درآمدن» یعنی داخل شدن یا رویدن و با «آمدن» تفاوت معنایی کامل دارد. «برآمدن» یعنی طلوع کردن یا بالا آمدن و با «آمدن» تفاوت معنایی اندکی دارد. تفاوت معنایی «فراگرفتن، واداشتن، بازگشتنی، و درگذشتن» با «گرفتن، داشتن، گشتن و گذشتن» آشکار است؛ اما  
برخاستن = خاستن (بلند شدن) // برافراشتن = افراشتن // برشمردن = شمردن

### ۴- گزینه‌ی ۱

می‌دانستند: ماضی استمراری؛ می‌زنند: مضارع اخباری؛ نشسته بود: ماضی بعید؛ بود: ماضی ساده

### ۵- گزینه‌ی ۴

داشت می‌رفت: ماضی مستمر؛ کرد: ماضی ساده؛ پرسیدم: ماضی ساده؛ می‌گویی: مضارع اخباری؛ داد: ماضی ساده

### ۶- گزینه‌ی ۱

بوده‌است: ماضی نقلی // بودند: ماضی ساده // بود: ماضی ساده // می‌خواند: ماضی استمراری

### ۷- گزینه‌ی ۱

«کشیدن» گذرا به مفعول است؛ «کشاندن» هم گذرا به مفعول است؛ نمونه: او مبل را تا این‌جا کشید ← او مبل را تا این‌جا کشاند

چکیدن: ناگذر ← چکاندن: گذرا به مفعول // گریستن: ناگذر ← گریاندن: گذرا به مفعول // گرفتن: گذرا به مفعول ← گریاندن (چیزی را به چیزی دیگر وصل کردن و گیر دادن): گذرا به مفعول و متمم (به این نکته‌ها در صفحه‌ی سوم درس گروه فعلی کتاب زبان فارسی ۳ اشاره شده است).

### ۸- گزینه‌ی ۲

گسستن ← بن مضارع: گُسل ← گسلاندن // رستن (رها شدن) ← بن مضارع: ره ← رهندن // رُستن ← بن مضارع: رو ← رویاندن // نشستن ← بن مضارع: نشین ← نشیناندن ← نشانندن  
همان‌طور که می‌بینید طبق قاعده باید «نشستن» به «نشیناندن» تبدیل شود، اما به دلیل دشواری تلفظ، یک کاهش آوایی (برخلاف قاعده‌ی دیگر مصدرها) آن را به «نشانندن» تبدیل کرده است. ماجرا گذرا شدن مصدر «شکستن» هم همین‌گونه است. (فودتان امتحان کنید.)

### ۹- گزینه‌ی ۳

«ی» در پایان بن مضارع «گری» جزئی از ذات این بن است اما در سه بن مضارع گو(دی)، رو(ی) و نما(ی) «ی» الحاقی است و بدون آن هم این بن‌ها به کار می‌روند؛ نمونه: سخن گو، (گیاه) خودرو، قطب‌نما؛ بنابراین «ی» جزء همیشگی این بن‌ها نیست و در واژه‌های سایر گزینه‌ها، صامت میانجی به شمار می‌آید.

۱۰- گزینه‌ی ۴

به متن درس زندگی‌نامه‌نویسی مراجعه کنید. (کتاب رجال: کتاب‌هایی که درباره‌ی زندگی بزرگان علم

حدیث می‌نوشتند.)